

## عنایت الله یزدانی<sup>۱</sup>

پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ انتظار می‌رفت که اسلام نقش خود را در حیات سیاسی - اجتماعی کشورهای استقلال یافته آسیای مرکزی باز یابد. بر همین مبنا نظریه‌های متفاوت در خصوص نقش و کارکرد اسلام در منطقه مطرح بود که هر کدام برگرفته از برداشت‌ها، احتمالات و ویژگی‌های جوامع آسیای مرکزی بود. اما شرایط سیاسی - اجتماعی و تمایلات سکولاریستی رهبران این کشورها و نقوذ برخی کشورها مانع از ظهور اسلام به عنوان یک نیروی فعال در روند شکل‌گیری دولت - ملت و حیات اجتماعی آنها شد. به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد اسلام به لحاظ نقش و کارکرد سیاسی - اجتماعی در آسیای مرکزی در دوران استقلال وضعیتی کمابیش مشابه دوران تسلط کمونیسم بر منطقه دارد. مقاله زیر نظریات گوناگون در این زمینه را بررسی می‌نماید.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اواخر سال ۱۹۹۱ و تولد دوباره ملت‌های آسیای مرکزی (ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان) انتظار می‌رفت که اسلام از یک دین فردی و ایدئولوژی محدود در جوامع منطقه تبدیل به یک نیروی مولد اجتماعی شود. در این راستا چهار بحث مطرح بود:

۱. اسلام به عنوان یک عامل موثر در سازوکارهای اجتماعی و شکل‌دهی هویت، سیاست و اقتصاد کشورهای منطقه ظهور خواهد کرد.

۲. اسلام فراتر از آن موجب استقرار دولتهای اسلامی در جمهوری‌هایی تازه استقلال یافته می‌شود.

۳. اسلام در آسیای مرکزی مبدل به یک ایدئولوژی رادیکال و مخالف مدرنیسم خواهد شد.

۴. در جوامع منطقه با رویکرد به سکولاریسم میان دین و سیاست فاصله

۱. دکتر عنایت‌الله یزدانی، عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان است.

خواهد افتاد و توانایی اسلام برای تشکیل حکومت دینی بلااستفاده خواهد ماند.

هر کدام از این تئوری‌ها مبتنی بر برداشت‌ها، احتمالات و ویژگی‌های داخلی این جوامع و بخصوص روابط برخی کشورهای اسلامی با این جمهوری‌ها بوده است. مثلاً دو تئوری اول مبتنی بر احتمال دخالت جمهوری اسلامی ایران در این کشورها و سوق دادن آنها به سوی استقرار مدل ایران بود. در حالیکه گسترش خیزشهای رادیکالی در افغانستان و بخصوص استقرار دولت تندرو طالبان در سال ۱۹۹۶ و همچنین سیاستهای دولت سعودی در منطقه پایه تئوری سوم بود. و تئوری چهارم برگرفته از فعالیتهای وسیع دولت سکولار ترکیه در منطقه آسیای مرکزی بود.

سؤال این است که کدامیک از تئوری‌های مذکور قابلیت تبیین وضع موجود آسیای مرکزی را داشته است؟ این مقاله بر آن است تا درستی یا نادرستی هر کدام از این تئوری‌ها را بیازماید. برای این منظور ابتدا تاریخچه ورود اسلام به منطقه و تحولات و چالشهای مربوط به دوران شوروی به طور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس نقش اسلام در جوامع آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مطالعه می‌شود. بعد از آن به جایگاه اسلام در روابط خارجی این جمهوری‌ها پرداخته می‌شود و در پایان تئوری‌ها ارزیابی و نتیجه‌گیری می‌شود.

### اسلام در آسیای مرکزی از حضور تا غیاب: بررسی مختصر

بین سالهای ۶۳۲ و ۸۷۰ میلادی اسلام از "دین عرب" تبدیل به اعتقاد ملت‌های غیرعرب از سواحل غربی مدیترانه تا آسیای مرکزی شد. گرایش اولیه ملت‌های آسیای مرکزی به اسلام قابل تقسیم به دو فاز عمده می‌باشد. فاز نخست با اشغال منطقه توسط مسلمانان در سال ۶۳۹ در زمان خلافت خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب، شروع و تا سال ۷۱۵ پس از مرگ قطیبه ابن مسلم پایان یافت.<sup>(۱)</sup> فاز دوم با تبلیغ اسلام با ابزارهای صلح آمیز شروع شد و تا قرن دهم، هنگامی که

اسلام دین منطقه شد، پایان یافت. البته اکثریت ساکنین منطقه گرایشات سنی حنفی دارند و اقلیت این جوامع گرایشات شیعی، بخصوص اسماعیلی، دارند (برای اطلاع بیشتر از تنوع مذهبی در منطقه به جدول زیر مراجعه شود).

### تنوع مذهبی در جمهوری های آسیای مرکزی (درصد)

کشور	اسلام	ارتدکس شرقی	پروتستان	بقیه
قزاقستان	۴۷	۴۴	۲	۷
قرقیزستان	۷۵	۲۰	-	۵
تاجیکستان	۸۵	-	-	۱۵
ترکمنستان	۸۹	۹	-	۲
ازبکستان	۸۸	۹	-	۳

منبع : Organization of the Islamic Conference (OIC), 2003

از زمانی که اسلام دین غالب آسیای مرکزی شد، مکتب جامع اسلام نقش مهم و قابل توجهی در تاریخ منطقه ایفا نموده و موجب تحولات زیربنایی در حیات جوامع منطقه گردیده است. اسلام به ملت‌های منطقه هویت نوینی بخشید و تمدن اسلامی نوید بخش دگرگونی‌های بنیادین در رگه های حیات اجتماعی و روابط میان این جوامع با جوامع خارج شد.<sup>(۲)</sup> شهرهایی چون بخارا و سمرقند، در ازبکستان، از مراکز مهم اندیشه ها و تعالیم اسلامی به حساب می آمدند و اندیشمندان و علمای بزرگی در منطقه درخشیدند. اسلام و تعالیم آن چنان با حیات فردی و اجتماعی منطقه عجین شده بود که اشغال منطقه توسط تزارها و چالشهایی که ایجاد شده تغییرات قابل توجهی در این وضعیت بوجود نیاورد.

بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بلشویکها، بخصوص از دهه های ۲۰ - ۳۰ به بعد با اجرای

سیاست "شوروی کردن"<sup>۱</sup> (بویره سیاستهای "ضدمذهبی" رژیم کمونیستی) وضعیت متفاوت گردید. هدف از سیاست "شوروی کردن" تبدیل جوامع اتحاد جماهیر شوروی به ملتی بود که مرام کمونیستی را پیروی کنند و ارزشهای سوسیالیستی را ارج نهند. نتیجه چنین منویاتی تقلیل نقش دین و ایزوله کردن آن بود.<sup>(۳)</sup>

به دنبال اجرای سیاستهای "ضداسلامی" در آسیای مرکزی برای مثال، از حدود ۲۵۰۰۰ مسجد در ۱۹۲۰ تنها حدود ۱۰۰۰ مسجد در ۱۹۴۱ باقی ماند. به علاوه، تمامی ۱۴۵۰۰ مدرسه دینی بسته شد و از حدود ۴۷۰۰۰ روحانی حدود ۲۰۰ نفر قادر به فعالیت بودند بقیه یا در تبعید، یا زندان و یا از فعالیت ممنوع بودند.<sup>(۴)</sup> در سال ۱۹۳۰، وقف ملی اعلام شد و در ۱۹۳۷ دادگاه اسلامی غیرمجاز شناخته شد. در سال ۱۹۳۹ حروف الفبای سیریلیک جایگزین الفبای عربی گردید. از ۱۵۴ کتاب ضد دینی که در سال ۱۹۸۰ در روسیه به چاپ رسید تعداد ۲۷ یا ۱۷/۵ درصد و در سال ۱۹۸۱ از ۱۹۵ کتاب ضد دینی چاپ شده ۴۴ یا ۲۲/۶ درصد ضداسلامی بودند.<sup>(۵)</sup> نتیجه چنین سیاستهایی از یکطرف تعطیل شدن آئین های اجتماعی-سیاسی اسلام نظیر حج، جماعت و نماز جمعه در این جوامع بود و از سوی دیگر تحلیل پتانسیل اسلام برای حضور توانمند و موثر در دوران پس از استقلال بوده است. هرچند همانگونه که آلکسی مالاشنکو، رئیس بخش مطالعات اسلامی آکادمی علوم روسیه، بیان کرده، همواره اسلام عامل اصلی فرهنگ و هویت در آسیای مرکزی بوده است اگرچه چنین هویتی در دوران شوروی غیر رسمی می‌زیست.<sup>(۶)</sup>

### اسلام پس از فروپاشی شوروی: فعال یا غیرفعال

با اجرای سیاستهای رفرمیستی و بازگورباچف در اواخر دهه ۸۰ و فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ کشورهای منطقه استقلال یافتند. در این برهه سؤال اساسی این بود که جایگاه اسلام در

شرایط استقلال کجاست؟ آیا اسلام توانست در فرایند "دولت - ملت سازی" نقش آفرین باشد؟ چنین سؤالاتی همچنان محل مناقشه و بحث است. حداقل این بود که اسلام از یک ایدئولوژی در تبعید و تحت فشار و استعمارزده تبدیل به اعتقاد عمومی جامعه در کشورهای آسیای مرکزی شد. اگرچه باید در نظر داشت که این روند از یک جمهوری به جمهوری دیگر متفاوت بود. بطور مثال، در کشورهای ازبکستان و تاجیکستان اسلام نفوذ عمیقتری دارد، در حالی که قزاقستان، قرقیزستان و تاحدودی ترکمنستان گرایشات کم عمقتری نسبت به اسلام نشان داده اند، این رویکرد ضعیف مربوط به طبیعت عشایری<sup>۱</sup> و دیگر ویژگی‌های کشورهای اخیر می‌شود که از حوصله بحث این مقاله خارج است.<sup>(۷)</sup> بطور مثال، قرقیزستان یکی از کشورهای عمده سکولار در منطقه بحساب می‌آید. رئیس جمهوری قرقیزستان، عسگر آقایف ابراز داشته است که کشورش علیه "هرگونه بینادگرایی اسلامی است. این روش و راه توقف است و نه پیشرفت."<sup>(۸)</sup>

علاوه بر تفاوت کشورها در تمایلات اسلامی عوامل دیگری در جمهوری‌های آسیای مرکزی، مانع از حضور فعال و پرتوان اسلام در این جوامع شده‌اند. یکی از این عوامل ویژگی‌های شخصیتی رهبران آنها می‌باشد. این رهبران همگی تحت تاثیر تعالیم مکتب کمونیسم بوده‌اند، مکتبی که اصولاً دین را افیون ملت‌ها معرفی می‌کند.<sup>(۹)</sup> لذا، غیرطبیعی به نظر نمی‌رسد اگر اسلام کریم اف، رئیس جمهور ازبکستان، دین اسلام را "خطر ایدئولوژیک و سیاسی" معرفی می‌کند. او آشکارا دستور به اجرای سیاستهای تند و خشن علیه مذهب غیررسمی، عبادت‌های جمعی اسلامی داده و خواستار استقرار اسلام رسمی یا حکومتی، تحت کنترل، شده است. در ماه می ۱۹۹۸ پارلمان ازبکستان<sup>۲</sup>، قانون "آزادی سازمان‌های قومی و مذهبی" تصویب کرد که به دولت اجازه اعمال محدودیتها و فشار بر اجرای آزاد شعائر اسلامی و اجتماعات را داد.<sup>(۱۰)</sup> صفرمرداد نیازف، رئیس جمهور ترکمنستان، کتاب "راهنما" و نه قرآن را به عنوان کتاب روشنگرایمی و هدایت بخشی مردم این کشور معرفی کرده است.

1. Nomadic

2. Olymajlis

با مرور اینگونه برخوردها چنین استنتاج می‌شود که دولتمردان جمهوری‌های آسیای مرکزی، اسلام را یک شیوه کارآمد در حیات سیاسی اجتماعی فعلی و آینده کشورهای خود نمی‌دانند و آنها از ایدئولوژی پویای اسلام به گرمی استقبال نمی‌کنند. برای این فرزندان مکتب کمونیسم، اسلام آئین حکومتداری نیست. تمام تلاش آنها این بوده است که این جمهوری‌ها را سکولار نگهدارند. وقتی از کریم اف سؤال می‌شود که آیا شما استانداردهای دنیای اسلام را دنبال می‌کنید جواب می‌دهد: "نه" ما خارج از استانداردها هستیم زیرا ما یک دولت سکولار هستیم.<sup>(۱۱)</sup> نیازف نیز مانند کریم اف می‌اندیشد و ابراز می‌کند "ما مویداً ادعا کرده ایم که ترکمنستان یک کشور سکولار هست ما نمی‌توانیم فکر کنیم به اینکه کسانی بخواهند این اصل را تغییر دهند."<sup>(۱۲)</sup> نظر بایف، رئیس جمهور قزاقستان، نیز می‌گوید:

«به عنوان ملت شوروی ما لائیک هستیم، اما سابقه قزاقستان یک سابقه اسلامی است. ما اجازه نمی‌دهیم که مذهب در سیاست دخالت کند. هنگامی که با دولتهای اسلامی کار می‌کنیم با شدت اعلام می‌کنیم که نباید آنها در کشور ما نفوذ ایدئولوژیک کنند و حتی آنچه که در کشورهایشان چاپ می‌کند نباید موجب دخالت دینی در کشور ما شود».<sup>(۱۳)</sup>

این بیانات ما را به یک حقیقت سوق می‌دهد و آن اینکه هویت اسلامی در این کشورها مبتنی بر جدایی حوزه دین از سیاست است. اگرچه چنین قرائتی در تضاد آشکار با ایدئولوژی و مرام برخی احزاب اسلامی نظیر حزب التحریر و حرکت اسلامی ازبکستان هست. تمام سعی این رهبران جمهوری‌ها بر آن بوده است که نگذارند اسلام نقش اصلی خود را در این جوامع ایفا کند. گویی آنها بیشتر نگران حفظ قدرت خود هستند و هرگونه بی‌ثباتی را یک خطر جدی برای خود تلقی می‌کنند، کما اینکه دیدیم کریم اف اسلام را خطر معرفی کرد. بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که پس از گذشت بیش از یک دهه اسلام نقش موثری در ساماندهی بنیادهای سیاسی-اجتماعی این کشورها ایفا نکرده است و برای حکومت‌های منطقه قدرت سیاسی مهمتر از اسلام بوده است.<sup>(۱۴)</sup>

عامل دیگر در ممانعت از اجرای قدرت واقعی اسلام در منطقه خصوصیت غیردموکراتیک این کشورها است. علیرغم انتظار، دولتهای منطقه نه تنها حرکتی جدی در راستای انجام رفرمهای دموکراتیک نکرده‌اند، بلکه وضعیت این کشورها بدتر هم شده است. البته اینکه چرا هیچ تحول عمده‌ای در این زمینه رخ نداده مربوط می‌شود به یک رشته اسباب و علتهای مربوط به کیفیت جوامع، گذشته آنها، ویژگی‌های رهبران، مشکلات و محدودیت‌های اقتصادی و برخی عوامل خارجی که ما بر آن نیستیم تا آنها را در اینجا تحلیل و بررسی کنیم.<sup>(۱۵)</sup>

نظامهای غیر دموکراتیک منطقه اصولاً به دلیل عدم برخورداری از ویژگی‌های فرهنگ دموکراسی، آزادی‌های تبیین شده و از همه مهمتر عدم برخورداری از ظرفیتهای لازم برای تحمل قدرت رقیب فضای لازم برای چالشهای ایدئولوژیک مهیا نمی‌کنند. در چنین شرایطی بسیار بعید به نظر می‌رسد که اسلام بتواند به عنوان یک قدرت رقیب فعال در صحنه سیاست بروز کند. برای مثال، کریم‌اف علیه خیزشهای اسلامی با تهدید سخن گفته و اعلام می‌کند: "چنین کسانی باید کشته بشوند، اگر لازم باشد، من خودم آنها را می‌کشم."<sup>(۱۶)</sup> در بیان دیگری تاکید می‌کند: "من آماده هستم سر ۲۰۰ نفر از اینها را از تن جدا کنم تا بتوانم صلح و امنیت را در جمهوری تضمین کنم. اگر فرزندم چنین راهی را برگزیند من خودم سرش را جدا می‌کنم."<sup>(۱۷)</sup>

ضمن اینکه شرائط نامساعد اقتصادی این جمهوری‌ها، اگرچه در سالهای اخیر رشد نسبتاً قابل توجهی داشته است، شیوع فراگیر ارتشاء، پائین بودن استانداردهای زندگی، فقر و دیگر محدودیتهای اجتماعی نیز در فراهم نکردن شرایط مناسب برای ظهور پرقوت آئین اسلام در منطقه بی تأثیر نبوده‌اند. جالب اینکه حتی اسلام نتوانسته است در روابط این کشورها با دنیای اسلام نیز موثر واقع شود.

## اسلام و روابط خارجی دولتهای آسیای مرکزی: بازی یا عدم بازی با "کارت اسلام"

اگرچه در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که اسلام می‌بایست نقش مهمی در بازگرداندن

جمهوری‌های آسیای مرکزی به جامعه بزرگ اسلامی ایفا می‌کرد و بسیاری از صاحب‌نظران چنین انتظاری را با قوت مورد تأکید قرار می‌دادند اما بنا به دلایلی وضعیت کاملاً دور از انتظار بوده است.<sup>(۱۸)</sup> به علاوه، بسیاری از کشورهای اسلامی مثل ایران، عربستان سعودی، افغانستان و پاکستان انتظار داشتند که بتوانند در تحکیم روابط خود با کشورهای منطقه با "کارت اسلام" بازی کنند.<sup>(۱۹)</sup> اما خیلی زود روشن شد که اسلام حداقل نقش را در استقرار روابط میان دولتهای منطقه و برخی دول اسلامی ایفا می‌کند. بگونه‌ای که برخی صاحب‌نظران ابراز می‌دارند که رهبران آسیای مرکزی در برقراری روابط خود با دنیای اسلام مشترکات مذهبی را نادیده انگاشته‌اند. همین به عنوان نمونه، اشاره کرده است: "هیچکدام از جمهوری‌های آسیای مرکزی به عنوان حکومت‌های سکولار نخواسته‌اند مشترکات دینی را به عنوان یک عامل مهم در روابط خود با کشورهای [اسلامی] همسایه دخیل سازند."<sup>(۲۰)</sup> بارزترین شاهد بر چنین ادعایی سیاست این جمهوری‌ها در قبال بحران فلسطین است، هیچ‌کدام از دولتهای منطقه خط ایدئولوژیک دیگر کشورهای اسلامی، نظیر ایران و عربستان، را نسبت به مسئله فلسطین در سیاست خارجی خود دنبال نکرده‌اند. درمقابل، این کشورها ضمن شناسایی اسرائیل به عنوان یک دولت تلاش نموده‌اند که روابط اقتصادی و سیاسی خود را با آن استحکام بخشند و متقابلاً اسرائیل نیز بنا به دلایل سیاسی و استراتژیک و البته اقتصادی از جمله کشورهایی بوده است که سریع اقدام به برقراری رابطه با دولتهای آسیای مرکزی کرده است.<sup>(۲۱)</sup> البته بررسی و تحلیل روابط جمهوری‌های آسیای مرکزی با کشورهای اسلامی مستلزم بحث مفصلی است که از حوصله این مقال خارج است.

### نتیجه‌گیری: ارزیابی تئوری‌ها

از آنچه که بررسی شد چنین استنتاج می‌شود که اگرچه با فروپاشی نظام شوروی، اسلام از جو خفقان و ضددینی کمونیسم پس از حدود هفتاد سال رهایی یافت اما مجدداً دچار چالش



جدیدی شد که از سوی دولتهای جدیدالاستقلال بر آن تحمیل شد و نتوانست آنطور که انتظار میرفت به عنوان یک قدرت مهم ایدئولوژیک در منطقه آسیای مرکزی متظاهر گردد. بنابراین، تئوری اول و به طریق اولی تئوری دوم قابلیت تبیین و توضیح وضع موجود را ندارند. زیرا نه تنها زمینه تشکیل یک دولت اسلامی در منطقه وجود ندارد بلکه حتی سیاستهای جاری و فرایندهای اجتماعی در کشورهای آسیای مرکزی کاملاً با اسلام بیگانه و بعضاً در تضاد با آن هستند. حتی رهبران این کشورها حاضر نیستند، ولو به ظاهر، ظواهر و شئون اسلامی را در رفتارهای خود بروز دهند.<sup>(۲۲)</sup>

نکته دیگری در خصوص دو تئوری اول، این است که همچنان که ذکر شده این تئوریها بر این فرضیه پایه گرفته اند که دولت جمهوری اسلامی ایران از ابتدا قصد نفوذ مذهبی در این کشورها داشت و می خواست این جمهوریها را به سمت حکومتی شبیه حکومت ایران سوق دهد و در نتیجه اسلام سیاسی را جانشین اسلام سنتی در منطقه کند. البته به نظر نمی رسد که دولت ایران چنین مقصودی را دنبال می کرده، اگرچه این کشور نقش قابل توجهی در استقرار ثبات در منطقه بخصوص در تاجیکستان ایفا نموده است. به عبارت دیگر؛ در سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی ایدئولوژی به عنوان عامل درجه دوم و یا حتی سوم مطرح بوده است. معاون سابق وزارت امور خارجه، می نویسد: "موقعیت ایران در جمهوریهای آسیای مرکزی مبتنی بر این واقعیت است که سیاست ایران مبتنی بر ایدئولوژی نبوده است بلکه مبتنی بر روابط تجاری و فرهنگی بوده است."<sup>(۲۳)</sup> ایشان تصریح می کند که "علیرغم انتقاد غرب از ایران برای صدور اصول گرایی به آسیای مرکزی و قفقاز، ایران روابط اقتصادی و اجتماعی با کشورهای همسایه برقرار نموده است."<sup>(۲۴)</sup>

ضمناً در این راستا باید به مسئله دیگری اشاره نمود و آن این است که حدود ۸۵٪ جمعیت موجود آسیای مرکزی اهل سنت هستند و حالیکه ایران یک کشور شیعی است بنابراین، عملاً امکان گسترش و اجرای مبانی فکری و سیستماتیک شیعی نظیر "ولایت فقیه" در

جمهوری‌های آسیای مرکزی وجود ندارد. بعلاوه، موضع‌گیری‌های صریح برخی دولتهای منطقه در قبال چنین مسائلی و نیز سیاستهای مهارگونه آمریکا نسبت به ایران در منطقه نیز باید مورد عنایت قرار گیرد.<sup>(۲۵)</sup> بنابراین، این ادعا که جمهوری اسلامی ایران با انگیزه صدور اسلام انقلابی و الگوی جمهوری اسلامی به گسترش نفوذ خود در منطقه پرداخته است قابل قبول نمی‌تواند باشد و اصولاً در قیاس با کشورهای چپ‌گرا چون عربستان سعودی حتی فعالیت‌های تبلیغی ایران نیز در منطقه بسیار اندک و غیر موثر بوده است.

در خصوص تئوری سوم، باید گفت اگرچه باتوجه به همسایگی این کشورها با افغانستان و همچنین وجود برخی گروههای تندور اسلامی در این جمهوری‌ها امکان بروز حرکت‌های تند را بالا می‌برد و بخصوص با استقرار نظام طالبان در افغانستان این احتمال بیشتر شد اما عملاً چنین نشد. زیرا از یک طرف طالبان به دلیل درگیری‌های داخلی نتوانستند در آسیای مرکزی فعالیت کنند، از سویی دیگر به دلیل وجود گروههای قومی تاجیک و ازبک در افغانستان دولتهای تاجیکستان و ازبکستان بخصوص همواره از جبهه ضدطالبان، جبهه متحد شمال، حمایت می‌کردند و کسانی همچون احمدشاه مسعود و ژنرال دوستم از حمایت‌های سیاسی و اقتصادی این کشورها برخوردار بودند.<sup>(۲۶)</sup> دولتهای منطقه نیز نسبت به خیزشها و حرکت‌های اسلامی مثل "حرکت اسلامی ازبکستان" و "حزب التحریر" سیاستهای تند و خشن داشته‌اند بگونه‌ای که بسیاری از رهبران و فعالان این گروهها یا دستگیر و زندان شده‌اند و یا به زیرزمین رفته و یا به خارج از این کشورها گریخته‌اند.<sup>(۲۷)</sup> بنابراین، احتمال اینکه تجربه تلخ افغانستان در این کشورها تکرار شود بسیار پائین است.

می‌توان گفت که تئوری چهارم قابلیت تبیین وضع موجود را دارد زیرا همانطور که ذکر شد طبیعت دولتهای منطقه سکولاراست و رهبران این جمهوری‌ها دورنمودن اسلام از حوزه قدرت سیاسی را به عنوان مشی حکومتی خود برگزیده‌اند و به همین خاطر دولت ترکیه امکان فعالیت وسیع تر و آزادتری را در این کشورها پیدا کرده است. دولت ترکیه که از ویژگی یک

نظام سکولاریسم غربی برخوردار است هم خودش و هم غربی‌ها بخصوص آمریکائی‌ها تلاش کرده اند تا آن را به عنوان یک آلت‌رناتیو در قبال ایران ارائه و موقعیتش را در منطقه تحکیم بخشند.<sup>(۲۸)</sup> به همین خاطر از همان سالهای اولیه آنکارا و واشنگتن در تلاش بودند که "مدل ترکی" را به عنوان یک مدل توسعه یافته و مناسب برای این جمهوری‌ها معرفی کنند. تورگوت ازال رئیس جمهور سابق ترکیه خطاب به دولتهای آسیای مرکزی گفت: "به ما کمک کنید تا به شما کمک کنیم، اگر شما با ترکیه میانه رو همکاری کنید دروازه‌های [تمدن] دنیا به روی شما باز خواهد شد، اما اگر خط ایران را دنبال کنید، شما به خودتان آسیب خواهید رساند. قبل از هر چیز دیگری، زیرا نیروهای اسلامی رها خواهند شد شما را از قدرت خلع می‌کنند و کشورتان را دچار بی‌ثباتی و ناامنی می‌کنند."<sup>(۲۹)</sup> این دیدگاه به نوعی در اظهارات رهبران آمریکانیز منعکس شد. در دیدار نخست وزیر سابق ترکیه، سلیمان دمیرل، با جرج بوش در فوریه ۱۹۹۲ در واشنگتن، بوش به ترکیه به عنوان "مدل سکولار دموکراتیک که می‌تواند بوسیله کشورهای آسیای مرکزی مورد الگو واقع شود اشاره کرد."<sup>(۳۰)</sup>

اگر ادعا شود که تئوری چهارم مبتنی است بر احتمال نفوذ سکولاریک دولت ترکیه در جمهوری‌های آسیای مرکزی ادعایی قابل توجه بوده هرچند که روابط کشورهای چو اسرائیل، آمریکا را نیز نباید در این میان نادیده انگاشت. پس می‌توان نتیجه گرفت که اسلام به لحاظ نقش و کارکرد سیاسی-اجتماعی در آسیای مرکزی در دوران استقلال وضعیتی کمابیش مشابه دوران حاکمیت کمونیسم بر منطقه را دارد، زیرا تمایلات سکولاریستی برگرفته از تجربیات گذشته و خواست دولتمردان کشورهای آسیای مرکزی و نفوذ سکولار و مهمتر از همه ترس از اسلام سیاسی مانع از حضور فعال و کارآمد اسلام در منطقه شده اند و حتی امید به آینده هم وجود ندارد.

## یادداشت‌ها

۱. فطیبه ابن مسلم مسئولیت استقرار حاکمیت اسلام در منطقه را به عهده داشت.

H.A.R. Gibb, *The Arab conquest in Central Asia*, The Royal Asia, The Royal Asiatic Society, London, 1923.

۲. برای اطلاعات بیشتر از نقش اسلام در آسیای مرکزی مراجعه کنید به:

Richard Frye, "Pre = Islamic and Early Islamic Cultures in Central Asia", and M. Mazzaoui, "Islamic culture and literature in Iran and Central Asia in the early modern period Michel", in Robert Canfield, ed, *Turko - Persian Historical Perspective*, Cambridge University Press, Cambridge, 2002.

3. Ahmed Rashid, *Jihad: The Rise of Militant Islam in Central asia*, Yale University Press, New Haven, 2002 Geoffrey Wheeler, *The modern history of Soviet Central Asia*, Weidenfeld and Nicoloson, London, 1964, p.140.

برای برداشت کلی از سیاستهای ضد مذهبی و بخصوص ضد اسلامی شوروی‌ها به منابع زیر نیز مراجعه کنید:

Joan Delaney, "The origins of Soviet antireligious organizations", in Richard P. Marshal, Jr. Thomas E. Bird and Andrew Q. Blane, eds., *Aspects of religion in the Soviet Union 1917-1967*, University of Chicago Press, Chicago, 1971, Shoshana Keler, "Islam in Soviet Central Asia, 1917-1930: Soviet policy and struggle for control", *Central Asia Survey*, Vol.11, No.1, 1992, pp.25-50, Fanny E. Bryan, "Anti - religious activity in the Chechen - Ingush Republics of the USSR and the survival of Islam", *Central Asian Survey*, Vol.3, No.2, 1984, pp.99-116, Yahaya G. Abdullin, "Islam in history of Volga Kama Bulgars and Tatars", *Central Asian Survey*, Vol.9, No.2, 1990, pp.1-11, Shirin Akiner, "Post -

Soviet Central Asia: Past is prologue", in Peter Ferdinand, ed., *The New Central Asia and Its Neighbours*, Pinter for the RIIA, London, 1994, pp.4-35, Shoshana Keler, "Islam in Soviet Central Asia, 1917-1930: Soviet policy and struggle for control", *Central Asian Survey*, Vol.11, No.1, 1992, pp.25-50, and E Ten, "The role of Islam in the post - Soviet Central Asia, Kyrgystan", <http://www.prof.msu.ru/omsk/43.htm>, [19/02/2004]

4. Grigory Bondarevsky and Peter Ferdinand, "Russian foreign policy and Central Asia", in Ferdinand, *op.cit.*, pp.36-54.

همچنین برای جزئیات بیشتر مراجعه کنید به:

A. Bennigsen et al., eds. *Soviet Strategy and Islam*, St Martin's Press, New York, 1989.

۵. مراجعه کنید به:

Geoffrey Jukes, *The Soviet Union in Asia*, Angus and Robertson, Sydney, 1973, pp.37-38, and Bondarevsky and Ferdinand, *op.cit.*

6. Alexie Malashenko, "Islam and politics in Central Asian states", Lena Jonson and Murad Esenov, eds. *Political Islam and Conflicts in Russia and Central Asia*, Swedish Institute for International Affairs, Stockholm, 1999, pp.9-18.

همچنین برای جزئیات بیشتر مراجعه کنید به:

M. Nazif Shahrani, "From tribe to Umma: comments on the dynamic of identity in Muslim Soviet Central Asia", *Central Asian Survey*, Vol.3, No.3, 1985, pp.27-38, Shahram Akbarzadeh, "The political shape of Central Asia", *Central Survey*, Vol.16, No.4, 1997, pp.417-542, Teresa Rakowska - Harmstone, "Islam and Nationalism: Central Asian and Kazakhstan under Soviet rule", *Central Asian Survey*, Vol.2, No.2, 1983, pp.7-88, Alexander Bennigsen, "Islam Retrospect", *Central Asian Survey*, Vol.8, No.1,

1989, pp.89-109.

همچنین به منابع زیر مراجعه کنید:

7. Geoffrey Wheeler, *The Modern History of Central Asia*, Frederick A. Praeger, New York, 1964, pp.20-23.

همچنین برای اطلاعات بیشتر از گرایش‌های مختلف جمهوری‌ها به اسلام به منابع زیر مراجعه کنید:

R. Harir Dekmejian and Hovann H. Simonian, *Troubled waters: The geopolitics of the Caspian region*, I. B. Tauris, New York, 2003, pp.74-95, Mehrdad Haghayeghi, "Islam and democratic politics in Central Asia", *World Affairs*, Vol.156, No.4, Washington, Spring 1994, pp.186-199, Mehrdad Haghayeghi, "Islamic Revival in the Central Asian Republics", *Central Asian Survey*, Vol.13, No.2, 1994, pp.249-266, Yuriy Kulchik, Andrey Fadin and Victor Sergeev, *Central Asia after the empire*, Pluto Press, London, 1996.

۸. نقل از:

Guy Dinmore, Islamic card a key prop in ex-Soviet Central Asia's political game, *The Sydney Morning Herald*, 20/4/1992.

۹. نقل از:

Erica Sapper Simpson, "Islam in Uzbekistan: Why Freedom of religion is fundamental for peace and stability in the region", *Journal of Arabic and Islamic Studies*, No.2, 1998/1999, pp.110-150.

۱۰. مراجعه شود به:

Oly Majlis of the Republic of Uzbekistan, at

<http://www.parliament.gov.uz/www/parleng/om.htm#> and the world Uyghur Network News, Produced by the Eastern Turkistan Information Centre, No.78, 4 May 1998 and

Malashenko, *op.cit.*

11. Malashenko, *op.cit.*, quoted from *Narodnoye Slovo*, Tashkent, 12 November 1997.

۱۲. نقل از:

*Nezavisimaya Gazeta*, 20 January 1992, quoted by Malashenko, *op.cit.*

۱۳. نقل از:

[http://www.khilafah.com/ca\\_special/ Report/kazakh.htm](http://www.khilafah.com/ca_special/Report/kazakh.htm), [04/02/2004]

۱۴. مراجعه کنید به:

Matveeva Anna, "The Islamist challenge in post \_ Soviet Eurasia", in Jonson and Esanov, *op.cit.*, pp.38-48.

۱۵. برای بحث بیشتر پیرامون این موضوع به منابع زیر مراجعه شود:

Enayatollah Yazdani, "Political reform in Central Asia: Role of leadership", *Bulletin of Centre for Arab and Islamic Studies*, Vol.10, No.2, 2003, Enayatollah Yazdani, "Democracy in Central Asia: Implications and US attempts", Paper presented at 2003 Middle East and Central Asia Politics, Economics, and Society Conference, the University of Utah, Salt Lake City, UT, US, October 16-18, 2003, John Anderson, *Kyrgystan: Central Asia's island of democracy*, Harwood, London, 1999, "Central Asia: Crisis conditions in three states", *ICG Asia Report*, No.7, August 2000, p.11.

16. Islam Karimov Speech at the parliamentary session in 1998 BBC Monitoring report of Uzbek Radio second program, May 1, 1998.

17. *Agence France - Presse*, April 2, 1999.

۱۸. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

Philip Robins, "The Middle East and Central Asia", in Ferdinand, *op.cit.*, pp.36-54.

19. Enayatollah Yazdani, "The role of the "Islam card" in the Central Asian republics" policy toward the Muslim World", Paper presented at the Tenth Annual Central Eurasian Studies Conference, Indiana University, Bloomington, IN, US, April 12, 2003.
20. Anthony Hyman, "Central Asia's relation with Afghanistan and South Asia", in Ferdinand, *op.cit.*, pp.75-94.

همچنین به منابع زیر مراجعه کنید:

- "The history of Islam in Central Asia", July 23, 2002, at WWW.khurasaan.com, [19/04/2004], Mehrdad Haghayeghi and Fred R. von der Mehden, "Islam and energy security", in Yelena Kalyuzhnova, Amy Myers Jaffe, Dov Lynch and Robin C. Sickles, eds., *Energy in the Caspian region*, Palgrave, New York, 2002, pp.86-105 and Ghoncheh Tazmini, "The Islamic revival in Central Asia: A potent force or a misconception?", *Central Asian Survey*, Vol.20, No.1, March 2001, pp.63 - 85.
21. Jacob Abadi, "Israel's quest for normalization with Azerbaijan and the Muslim states of Central Asia", *Journal of Third World Studies*, Vol.19, No.2, Americus, Fall 2002, pp.63-88, Antone Blua, "Israel emerges as a player in Central Asia", *Eurasianet Business and Economics*, 15/08/2001, Carol R.Saivetz, "Central Asia: Emerging relations with the Arab States and Israel", in Hafeez Malik, ed., *Central Asia: Its strategic importance and future prospects*, St. Martin's Press, New York, 1994, pp.311-326, Robins, *op.cit.*, Bulent Aras, "Post - Cold War Realities: Israel's Strategy in Azerbaijan and Central Asia", *Middle East Policy*, Vol.5, No.4, January 1998.
22. Malashenko, *op.cit.*
23. Abbas Maleki, "Iran and Turan: Apropos of Iran's relations with Central Asia and



the Caucasian republics", *Central Asia and the Caucasus*, Vol.11, No.5, 2001.

همچنین مراجعه کنید به:

Abbas Maleki, "Islam in the Caucasus and Central Asia: Review of the Iranian Connections", *Marco Polo Magazine*, No.2, 1998, pp.21-26.

24. Maleki, 2001.

برای اطلاعات بیشتر از انتقادات غربی‌ها به ایران در خصوص صدور رادیکالیسم اسلامی به آسیای مرکزی نیز مراجعه کنید به:

Borsi Rumer, ed., *Central Asia: A gathering storm*, M.E., Sharpe, New York, 2002,  
Graham E. Fuller, *Turkey Faces East: New Orientations Toward the Middle East and the Old Soviet Union*, Rand, Santa Monica, CA, 1992.

25. Ariel Cohen, "US interests in Central Asia", Testimony before the Subcommittee on Asia and the Pacific / House International Relations Committee - United States House of Representatives, March 17, 1999, Enayathollah Yazdani, "Central Asian International relations in the post - Soviet era: The case of the United States", Paper presented at Central Eurasian Studies Society's Annual Conference, Harvard University, Cambridge, Massachusetts, US. October 2-6, 2003, Enayatollah Yazdani, "Foreign policy of Iran: Isolation or inclusion", *The Journal of Foreign Policy*, Vol.XIII, Summer 1999, and Thomas L. Friedman, "U.S. To Counter Iran in Central Asia", *The New York Times*, February 6, 1992, p.A3.

26. Enayatollah Yazdani, "Afghanistan an Island of Instability: Rereading internal and external roots of instability in Afghanistan", Paper presented at 2nd International Conference on Afghanistan: Prospects for Future, Institute for Political and International

Studies (IPIS), Tehran, Iran, December 22-23, 2002.

۲۷. مراجعه کنید به:

"Uzbek Crackdown on Muslims prompts believers to flee", *Eurasianet*, 16 April 2004  
Bakhtiar Badadzhanov, "Islam in Uzbekistan: From the struggle for religious purity to political activism?", in Rumer, *op.cit.*, pp.299-330, Martin Keith, "Whiter Central Asia's Islamic radicals" A comparative framework for examining political Islam in Central Asia", and Evgeniy Abdullaev, "The Central Asian nexus: Islam and politics", in Jonson and Esanov, *op.cit.*, pp.19-37 and 245-298.

28. *The Times*, 17 February 1992, and Idris Bal, Turkey's relations with the West and Turkic republics: The rise and fall of the Turkish model, Ashgate, Burlington, USA, 2000.

29. Raphael Israeli, "Return to the source: the republics of CA and the Middle East", *Central Asian Survey*, Vol.13, No.1, 1994, pp.19-31.

۳۰. نقل از:

Ahmad Rashid, *The resurgence of Central Asia: Islam or Nationalism?*, Zed Book, London, 1994, p.210.